

عنوان مقاله:

خوانشی تازه بر بازنمایی و تفسیر هنری چهار هنرمند معاصر بر اثر مونالیزا (با تکیه بر مطالعه ی تطبیقی هرمنوتیک و دیکانستراکشن)

محل انتشار:

دوفصلنامه دانش هنرهای تجسمی، دوره 2، شماره 1 (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسندگان:

شادی جمالی - دانش آموخته کارشناسی ارشد نقاشی-دانشگاه الزهرا

محسن مراثی - عضو هیات علمی دانشگاه شاهد

امین علی کردی - مربی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵ تهران، ایران

خلاصه مقاله:

در دهه های اخیر پیدایش یک رویکرد جدید در مورد چگونگی نگرش و دوباره خوانی متون ادبی و هنری، مورد توجه قرار گرفته است. این منظر جدید که دیکانستراکشن^۱ (واسازی) نام دارد با نگاهی بن فکنانه، در تقابل با ساختارگرایی^۲ هرمنوتیک^۳ (تاویل) قرار می گیرد. هرچند که وجود تشابهاتی میان این دو منظر، ارتباط و اشتراکات پایه ایی را میان این دو گرایش تفسیری اثبات می کند تا آنجا که می توان مدعی زایش دیکانستراکشن (واسازی) از نهان هرمنوتیک (تاویل) شد لکن بسترهای متباینی که هرکدام از این دو نگرش در آن تجلی یافته اند؛ و منظر آزادانه ی که دیکانستراکشن دارد به نظر می آید این نوع تفسیر اخیر مرحله ای فراتر از هرمنوتیک مدرن است. با اینحال این مقاله با رویکرد مطالعه تطبیقی دیکانستراکشن (واسازی) با هرمنوتیک (تاویل) از منظر ویتگنشتاین و گادامر سعی دارد بر عدم جدایی هرمنوتیک و دیکانستراکشن تاکید ورزد و در این راستا با تحلیل ۴ نمونه از آثار اقتباسی هم منظر دیکانستراکشن و هم هرمنوتیک را برای این آثار قائل می شود. بر این اساس این نتیجه حاصل می شود که نمی توان قطعا مدعی شد یک تفسیر، تفسیری دیکانستراکشنی است یا هرمنوتیکی بطوریکه هرچند در نظر می توان تمایزاتی میان این دو نوع یافت ولیکن در عمل به خاطر محدودیت و قید و بندهای غیر قابل انکار تمایزی دیده نمی شود بطوریکه یک تفسیر دیکانستراکشنی در آزادانه ترین حالت تنها می تواند یک نوع هرمنوتیک مدرن باشد. این مقاله بر اساس روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به انجام رسیده و در تحلیل اطلاعات از روش تطبیقی استفاده شده است.

کلمات کلیدی:

مونالیزا، هرمنوتیک، دیکانستراکشن، پست مدرنیسم، سمیولوژی (نشانه شناسی)

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1478868>

